

# چاپ اول، چاپ آخر

## علی صلح جو

چنانچه چند بار چاپ شده باشد، تاریخ چاپ اول و چاپ آخر آن را می‌آورند.

این‌ها همه جدای از موضوع تجدید نظر است. کتابی که در آن تجدید نظر می‌شود در حکم کتابی جدید است. به همین سبب ناشران اروپایی و آمریکایی آوردن عبارت New Edition را در بالا و گوشه راست جلد فراموش نمی‌کنند. از حدود سال ۱۳۶۵ به بعد، اصطلاح «ویراست» در برابر edition در ایران باب شد و اکنون در شناسنامه کتاب‌ها و حتی روی جلد کتاب‌های ترجمه یا نوشته شده فارسی عبارت‌های «ویراست دوم» یا «ویراست جدید» را می‌بینیم.

اثر، چه تألیف و چه ترجمه، چنانچه در آن تجدید نظر شده باشد، باید به تاریخ تجدیدنظر، با عنوان «ویراست دوم» یا «ویراست جدید» اشاره شود. آن‌چه خواننده می‌خواهد بداند، در واقع این است که آن‌چه می‌خواند در چه تاریخی نوشته و ترجمه شده است. ناشر معتبر و مسئول خواننده را از این حق محروم نمی‌کند. دانشجویان باحوصله رشته کتابداری می‌توانند با بررسی کتاب‌های منتشر شده چند ناشر، در مقطع زمانی ۵ یا ۱۰ ساله، صحت یا سقم این موضوع را بررسی کنند.

شایان ذکر است که در دستگاه‌های انتشاراتی ایران معلوم نیست بررسی صفحه شناسنامه به عهده کیست. بسیاری از ویراستاران به این صفحه توجهی ندارند. برخی از ناشرها به ویراستارهایی که می‌خواهند این صفحه را بررسی کنند می‌گویند شما کارتان نباشد مسئولش آن را بررسی خواهد کرد. بسیاری از مسئولان بررسی این صفحه نیز کلی مشخصه کتاب‌شناسی می‌آورند و دست آخر، بدون این‌که به چاپ اول اثر اشاره کنند، تاریخ چاپ آخر را می‌آورند.

\*

به یادداشت آقای صلحجو، ویراستار برجسته، این نکته را هم باید افزود که متأسفانه در مواردی کتاب‌های تجدید چاپی، به ویژه هنگامی که ناشر کتابی تغییر می‌کند، چاپ اول قلمداد می‌شوند! یکی دوبار به این نکته اشاره شده که تجدید چاپ شدن یک کتاب نشان از اقبال جامعه به آن دارد. پس بهتر است نوبت واقعی چاپ آن ذکر شود. اگر تجدید چاپ کتابی، چاپ اول ذکر شود، در مواردی خریداران و کتابداران به اشتباه می‌افتند و کتابی را که دارند مجدداً می‌خرند.

## جهان کتاب

وقتی کتاب می‌خوانیم، دلمان می‌خواهد بدانیم در چه تاریخی نوشته شده است. البته، شاید هرگز ندانیم چه زمانی نوشته شده است زیرا بین زمان نوشته شدن و منتشر شدن معمولاً مدتی فاصله هست. با این همه، اطلاع داشتن از زمان انتشار اثر حداقل چیزی است که خواننده انتظار دارد. بیشتر کتاب‌ها، از این نظر، نقص دارند و به ندرت کتابی می‌بینیم که ایرادی نداشته باشد. اگر ندانیم کتابی چه زمانی چاپ شده، درباره محتوای آن نمی‌توانیم قضاوت کنیم، زیرا هر اثری را با سطح معلومات زمان خودش باید سنجید. وقتی از زمان و مکان صاحب اثر بی‌خبریم، اثر در فضا معلق است و ما نیز به دنبال آن.

اگر کتاب تألیف باشد، یک تاریخ لازم دارد و آن همان تاریخ چاپ اثر است. اگر اثر ترجمه باشد، دو تاریخ باید داشته باشد: تاریخ چاپ اثر به زبان اصلی و تاریخ چاپ ترجمه. برخی از ناشران اصلاً به تاریخ چاپ توجه ندارند و گاه اثری می‌بینیم که در صفحه شناسنامه یا جای دیگری از آن هیچ تاریخی نیامده است. گاه تاریخ چاپ اثر به فارسی - منظوم ترجمه فارسی است - آمده، اما تاریخ چاپ آن در زبان اصلی نیامده است. چنین وضعی خواننده را راضی نمی‌کند. خواننده می‌خواهد بداند اصل اثر در زبان اصلی در چه تاریخی منتشر شده است. ممکن است اثری همین امسال (۱۳۸۸) منتشر شده باشد، اما ترجمه‌ای باشد که اصل آن پنجاه سال پیش نوشته و منتشر شده است. آن‌چه خواننده بیشتر لازم دارد تاریخ چاپ اثر در زبان اصلی است نه تاریخ چاپ ترجمه. گاهی کتاب تألیف است و تاریخ چاپ هم برای آن در صفحه شناسنامه آمده است، اما تاریخی بی‌ارزش و بی‌خاصیت. توضیح این‌که مثلاً در صفحه شناسنامه آورده‌اند: «چاپ هفتم ۱۳۸۸»، بدون این‌که به چاپ اول اشاره شده باشد. بسیاری از ناشران، حتی ناشران معتبری چون مرکز نشر دانشگاهی، این کار را می‌کنند و به گمان خودشان، از این طریق، کتاب را جدیدتر جلوه می‌دهند. البته، اشاره به آخرین چاپ کتاب ضروری است زیرا نشان می‌دهد کتاب پرخواننده و پرفروش بوده، که این خود یکی از معیارهای مهم انتخاب کتاب از جانب خواننده است. اما آن‌چه خواننده را آزرده و عصبی می‌کند اشاره نکردن به چاپ اول است، یعنی همان زمانی که کتاب خلق و منتشر شده است.

بنابراین، تألیف اگر چاپ اول باشد، یک تاریخ و اگر مثلاً چاپ دهم باشد، دست کم دو تاریخ (تاریخ چاپ اول و تاریخ چاپ دهم) لازم دارد. اگر اثر ترجمه باشد، باید تاریخ چاپ اول اصل اثر و تاریخ چاپ اول و آخر ترجمه را آورد. گاه برای نشان دادن اعتبار اصل اثر،